

شاخص‌های خط امام

□ مهدی حاضری

مقدمه

خط امام یک عنوان ارزشی و پیامدار در جامعه ایران است و با توجه به جایگاه رفیع و ارزشمند امام خمینی در میان مردم مسلمان ایران، کلیه افرادی که قصد دارند محبوبیتی و مقبولیتی در جامعه پیدا کرده و دیدگاه و عمل خود را به جامعه بقبولانند سعی می‌کنند از این عنوان بهره ببرند. چه بسا تفکراتی کاملاً متضاد که همگی مدعی پیروی از خط امام هستند. لہذا با توجه به جامعیت حضرت امام و همه جانبه نگری ایشان اکثر تفکرات برای اثبات حقانیت و صحت دیدگاه خود از بیانات و مکتوبات ایشان شواهدی را ذکر می‌کنند. این ادعاها به اندازه‌ای وسعت یافته بود که در اوایل انقلاب حزب توده نیز علی‌رغم اینکه خود شاخه‌ای از حزب کمونیست شوروی بود ادعای پیروی از خط امام می‌کرد.

در زمان کنونی هم که اختلاف فکری جناح‌های سیاسی کشور کاملاً روشن شده و هر یک دیگری را به کج‌فهمی و خروج از دین متهم می‌کند باز هر دو طرف اصلی دعوی مدعی پیروی از خط امام هستند، یکی خود را ائتلاف گروه‌های خط امام می‌نامد و دیگری عنوان پیروان خط امام و رهبری را برمی‌گزیند.

بنابراین لازم است با استناد به آثار و آراء حضرت امام، تعریف جامعی از خط امام و شاخص‌های آن ارائه شود به گونه‌ای که میزانی برای سنجش افکار و اعمال همه مدعیان پیروی از خط امام باشد تا سره از ناسره و مدعی حقیقی از مدعی دروغین متمایز گردد.

ناگفته نماند که برای کمتر محقق امکان دستیابی به همه شاخص‌ها و ویژگی‌های خط امام وجود دارد. زیرا کوچک‌ترین حرکات و سکانات و بیانات امام وقتی زیر ذره‌بین قرار گیرد می‌تواند به عنوان شاخصه و ویژگی خط امام مطرح شود و این موارد ریز، زمانی مورد توجه قرار می‌گیرد که اعمال و شعارهای دیگران را مورد ملاحظه قرار دهیم. به عنوان مثال وقتی ناگهان در کشور ما معضلات اقتصادی و مشکلات معیشتی به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین معضل جامعه مطرح می‌گردد و اهداف انقلاب فراموش می‌شود می‌توان به تأکیدات امام در مورد اهداف انقلاب توجه کرد و نقطه ثقل توجه ایشان را دریافت و یا زمانی که رسیدگی به مستضعفان و محرومان و مبارزه با مستکبران و چپاولگران اقتصادی محدود به صندوق صدقات امداد و برگزاری جشن شکوفه‌ها و امثالهم می‌شود می‌توان دیدگاه و نظر امام را بهتر درک کرد. بنابراین بسیاری از شاخص‌های خط امام بعد از عملکرد دیگران به دست می‌آید. در حالی که از قبل چنین شاخصه‌ای بوده ولی مورد توجه قرار نگرفته است. غرض از بیان این مطلب تذکر این نکته است که ما، در این مقاله تنها به کلیات و شاخص‌های مورد وفاق اکثریت پیروان خط امام اکتفا کرده و به جزئیات و موارد غیرمعروف نمی‌پردازیم. اصول و قواعدی که هر دو جناح اصلی انقلاب بر آن پای فشرده و به آن معتقد هستند، اصول مشترکی که امام خمینی خود در پاسخ به نامه حجت الاسلام والمسلمین حاج محمدعلی انصاری که به منشور برادری مشهور شد فرموده‌اند، از جمله:

«این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شر زالوصفتان وابسته به دولت

و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاه‌های دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد»^۱.

علی‌رغم نظر امام هم اکنون شکاف بین جناح‌های سیاسی کشور علی‌الخصوص دو جناح مطرح بسیار زیاد شده به طوری که در بعضی مسائل کلیدی و اساسی هم شاهد دیدگاه‌های کاملاً متضادی هستیم. به عنوان مثال در اصل جمهوریت نظام و میزان تأثیر و نفوذ رأی ملت در حکومت اسلامی دو دیدگاه کاملاً مخالف مطرح شده است. همچنین در مقوله آزادی، برخورد با مخالفین نظام، روابط با دنیای خارج و... که قصد برشمردن آنها را نداریم. ما در این گفتار ابتدا تعریفی لغوی و اصطلاحی از خط امام ارائه کرده، سپس به تاریخچه ابداع این اصطلاح و افراد و گروه‌هایی که تحت این نام فعالیت کرده و می‌کنند می‌پردازیم و در نهایت به بعضی از شاخص‌ها که به نظر نگارنده مهم و اساسی هستند اشاره خواهیم کرد.

مفاهیم

خط: اثر قلم در روی کاغذ یا چیز دیگر، نوشته، راه راست و دراز، فاصله میان دو نقطه، آنچه میان دو نقطه را اتصال بدهد.^۲

امام: پیشوا، پیشرو، پیش‌نماز، هر یک از دوازده پیشوای بزرگ که اول آنان علی بن ابی‌طالب (ع) و آخر آنان امام عصر (عج) «امام غائب» می‌باشد.^۳

این لقب قبل از پیروزی انقلاب به آیت الله سید روح الله موسوی خمینی تعلق گرفت و با توجه به محبوبیت ایشان در بین مردم و مقبولیت عامی که در بین صاحبان خرد و اندیشه کسب نمودند این لقب بسیار سریع جا افتاد و عنوان امام جامع‌ترین و رساترین کلمه‌ای بود که برای ایشان

□ امام خمینی: «ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی (ص) برسیم. و امروز غریب ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی های آن گروم»

به کار می رفت. بعدها افراد دیگری هم به این لقب ملقب شدند ولی در بین توده مردم نتوانست جا باز کند و تنها در بین شیعیان لبنان برای آقای سید موسی صدر این عنوان پذیرفته شده و همه ایشان را به امام موسی صدر می شناختند.

خط امام: عنوان خط امام از نظر لغوی یعنی مسیر و راهی که توسط امام، پیشرو و رهبر به جامعه ارائه شده و منسوب به قائد است. و از نظر اصطلاحی در این کشور به اندیشه و طریقی اطلاق می شود که امام خمینی به جامعه معرفی کرده و از سایر برداشتها و تفکرات اندیشه‌مندان مسلمان متمایز است به عبارت دیگر خط امام خلاصه‌ای از یک تعریف جامع درباره اسلام ناب محمدی است، اسلامی که برای رساندن بشر به نقطه نجات و رستگاری ظهور کرد. خط امام در واقع ترجمان راه و روشی است که بر محور برقراری عدالت اجتماعی، استکبارستیزی، نفی ظلم‌پذیری و دفاع از مستضعفان قرار گرفته و در پی آن است تا بشریت را در شرایط و فضایی قرار دهد که بتواند با استفاده از امکانات خدادادی‌اش، فطرت، استعداد و حقیقت اصلی خود را کشف و شکوفا سازد.

این عنوان مشخص نیست دقیقاً از چه زمانی و توسط چه فرد یا گروهی برای دیدگاه و روش امام رواج پیدا کرد. شاید بتوان گفت خاستگاه اصلی خط امام در معرکه‌ای بود که بین نیروهای طرفدار امام و سایر جریانات سیاسی مقابل اعم از لیبرالها، مارکسیستها و منافقین در سال‌های نخست انقلاب اسلامی به وجود آمد و به دنبال آن مجموعه نیروهای وفادار به امام و انقلاب به

عنوان خط امام معرفی شدند. ولی اولین گروهی که رسماً عنوان خط امام را برای خود برگزید و در اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی خود را به آن نام معرفی کرد دانشجویان مسلمانی بودند که در سیزدهم آبان ماه ۱۳۵۸ سفارت آمریکا در ایران را به اشغال خود درآوردند و عنوان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را بر خود نهادند.^۴

این عنوان بعدها یعنی پس از پیروزی نیروهای طرفدار امام در مقابل لیبرالها و منافقین در معرکهٔ سال ۶۰ و ظهور اختلاف در مجموعه نیروهای طرفدار امام اختصاص به جناحی پیدا کرد که در آن دولت به نخست‌وزیری آقای مهندس میرحسین موسوی، تعدادی از نمایندگان مجلس، رؤسای قوای سه‌گانه وقت و تعدادی از روحانیون که در سال ۱۳۶۷ مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند وجود داشتند و جناح مقابل آنها را جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم، جامعهٔ روحانیت مبارز تهران، فقهای شورای نگهبان و تعدادی از نمایندگان مجلس تشکیل می‌داد.

بعد از ارتحال حضرت امام، تا زمان حاضر افراد و گروه‌های زیادی عنوان خط امام را برای خود برگزیده‌اند که معروف‌ترین آنها ائتلاف گروه‌های خط امام است. که از زمان انتخابات پنجمین دورهٔ مجلس در سال ۱۳۵۷ وارد عرصهٔ مبارزات سیاسی شده و مجموعه‌ای از تشکل‌های سیاسی را در بر می‌گیرد که سعی کرده‌اند در بعضی از اهداف با هم مشترک باشند. در طرف مقابل هم تجمع و تشکلی به نام پیروان خط امام و رهبری تشکیل شده که از نظر دیدگاه سیاسی در جناح مقابل این تشکل قرار می‌گیرند.

شاخص‌ها

همان‌طور که پیشتر ذکر شد در این گفتار آنچه به عنوان شاخص خط امام طرح می‌گردد معیارها و ملاک‌های کلی است و در حقیقت محکومات خط امام است که جای هیچ‌گونه تفسیر و توجیه ندارد. این معیارها و شاخص‌ها عبارتند از:

۱. تدین

امام خمینی در تمام عمر خود در صدد شناخت دین و عمل به آن بود و به گواه افرادی که از جوانی با ایشان همراه بوده‌اند همواره متعهد بود و علی‌رغم فیلسوف بودن و غور در مباحث عقلی و فلسفی همواره در برابر احکام الهی و عبادات کاملاً تسلیم بود. و امام مدام سعی می‌کردند علم و مناصب اجتماعی ایشان را از راز و نیاز و اعمال عبادی فردی و اجتماعی دور نکند. به عنوان مثال ایشان در طول دوران طولانی حضور در نجف اشرف هر شب رأس ساعت معینی در حرم حضرت امیر حضور یافته و به زیارت و دعا مشغول می‌شدند و در مقابل اصرار مرحوم حاج آقا مصطفی که از ایشان می‌خواهد در ایام بیماری به حرم مشرف نشوند می‌فرمایند: «مصطفی تقاضا دارم روح عوامانه را از ما نگیری».^۵

یکی از یاران ایشان در توصیف حالت امام در هنگام عبادت می‌گوید: امام در هنگام عبادت مانند کسانی بودند که نه اهل علمند و نه اهل سیاست و هیچ کاری غیر از عبادت نداشتند. ایشان چنان به عبادت مشغول و از امور دیگر فارغ می‌شدند که گویی هیچ کار دیگری ندارد. مثلاً در دعای عرفه که به حرم حضرت سیدالشهداء مشرف می‌شدند با وجود سن زیاد، این دعا را که دو تا سه ساعت طول می‌کشید، به حالت ایستاده و رو به قبله می‌خواندند.^۶

شواهد دینداری و تدین حضرت امام بسیار است و از حوصله این بحث خارج، علاقمندان خود می‌توانند به کتب سیره امام مراجعه کنند. بنابراین با توجه به این ویژگی کسانی که مدعی پیروی از خط امام هستند باید ابتدا به خود بنگرند و ببینند تا چه اندازه متدین بوده و مقید به آداب شرع هستند البته باید توجه داشت تدین به اصول اسلامی امری غیر از اعتقاد به برخی سنت‌ها و خرافات و امور غیر دینی متداخل در دین است که نزد بعضی از متدینین جزء اصول اساسی دین شمرده می‌شود و چه بسا برخی از امور مباح که در نزد عده‌ای واجب شده و چه بسا ممکنه و ازمنه‌ای که هیچ نسبتی با دین و اسلام ندارند ولی تقدیس شده و افراد غیر معتقد به آن متهم به بی‌دینی می‌شوند و امام خود بسیار از این دست متدینین ناراحت بود و خون دل‌های زیادی از مقدس‌نماهای احمق و انحرافات وارده در دین خورده بود تا جایی که خطاب به یکی از شاگردان

و یاران خود می گوید:

«ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمهٔ زلال اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - برسیم. و امروز غریب‌ترین چیزها در دنیا همین اسلام است و نجات آن قربانی می‌خواهد و دعا کنید من نیز یکی از قربانی‌های آن گردم».^۷

۲. اخلاص

امام خمینی عبد صالح خدا بود و تمام تلاش او در راه تقرب به درگاه الهی صرف می‌شد در سراسر عمر پربرکت ایشان و در تک‌تک حرکات و افعال این مرد بزرگ اخلاص را می‌توان دید. البته ما در این جا در صدد اثبات اخلاص امام نیستیم چون اخلاص را نمی‌توان اثبات کرد بلکه باید از شواهد و قراین به آن پی برد. امام در زمانی که می‌توانست با رژیم شاه سازش کرده و بهترین زندگی و امکانات را برای خود فراهم کند غربت و تنهایی و تحمل انواع سختی‌ها و در نهایت شهادت فرزند را پذیرفت و ذره‌ای از اهداف خود دست برنداشت و زمانی که در اوج محبوبیت در هواپیمای ایرفرانس در حال پرواز به ایران است وقتی از او می‌پرسند چه احساسی دارید می‌گوید هیچ و تفاوتی بین این دو حالت برای او متصور نیست. و در زمانی که انقلاب به پیروزی رسید ذره‌ای از حق خود حرف نزد و دائم سفارش مردم را می‌کرد. پیروزی را از خدا می‌دانست و دائم سفارش می‌کرد هرگز مغرور نشوید. امام پس از فتح خرمشهر در پیام خود به رزمندگان سفارش می‌کند که:

«هوشیار باشید که پیروزی‌ها هر چند عظیم و حیرت انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسهٔ شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم تباهی می‌آورد».^۸

با این حساب فردی که ادعا می‌کند پیرو خط امام است باید اخلاص را در عمل سرلوحهٔ اعمال خویش قرار دهد و کسانی که سراسر وجودشان را خودخواهی و کسب تقرب در نزد صاحبان قدرت فرا گرفته نمی‌توانند مدعی خط امام باشند.



۳. دعوت کننده به قیام برای خدا

اولین سند مبارزاتی مکتوب از حضرت امام حاوی دعوت به قیام برای خداست و با آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ»^۹ آغاز شده است. و در آن از همگان خواسته‌اند برای خدا قیام کنند. امام می‌فرماید:

«هان ای روحانیین اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق پرست! ای حق پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطن خواه! ای وطنخواهان باناموس! موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیش نهاد فرموده بپذیرد و ترک نفع‌های شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه دو عالم دست در آغوش شوید.»^{۱۰}

امام همواره در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب بر این دعوت الهی پای فشرد و

می‌توان گفت شاه بیت قیام امام همین دعوت به قیام لله است. امام بارها و بارها برای یاران و مردم خود توضیح داده‌اند که اگر این قیام و مبارزه را برای شخص من انجام داده یا می‌دهید من پاداشی ندارم که به شما بدهم و بیخود چنین کاری کرده‌اید.

یکی از یاران امام می‌گوید: «بعد از آزادی امام از قیصریه عده‌ای از بازاری‌های تهران، ناهاری ترتیب داده بودند و امام هم در همان جلسه سر سفره نشسته بودند. یکی از بازاری‌ها به امام گفت: «بازاری‌ها برای خاطر شما چه کردند و چه کردند...». امام به او فرمودند: «بیخود کردند». همه تعجب کردند که این چه حرفی است، بعد امام فرمودند: «اگر برای خدا کردند که خدا اجرشان بدهد باید بکنند. اگر برای من کردند، من چیزی ندارم بدهم.»^{۱۱}

بنابراین مدعیان پیروی از خط امام تنها به حرف و شعار نمی‌توانند اکتفا کنند. هم باید دعوت به قیام برای خدا کنند و هم خود در میدان قیام لله حضور داشته باشند.

۴. صداقت

از دیگر شاخصه‌های حضرت امام صداقت در رفتار و گفتار بود. از ابتدای ورود در صحنه اجتماع و مبارزات سیاسی تا آخرین لحظه حیات همه صداقت در گفتار و رفتار را از امام دیدند. و این درست همان صفت و خصوصیتی است که سیاسیون از آن بی‌بهره هستند و دورویی و نفاق و چند چهره داشتن از لوازم سیاست محسوب می‌شود. امام حتی در زندان و حصر هم حاضر نشدند چیزی بر خلاف مصلحت امت و عقاید خویش بگویند و وقتی پس از آزادی از زندان متوجه شدند مطلب خلافی به ایشان نسبت داده شده اعلام کرده و از دولت خواستند آن را تکذیب کند. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«شما دیدید که روزنامه اطلاعات در روز سه شنبه هجدهم فروردین [۱۳۴۳] نوشت که روحانین بحمد الله خیلی جای خوشوقتی است. بعضی مجلات هم نوشته بودند لکن این بیشتر منتشر می‌شود، جای خوشوقتی است که مقامات روحانی با دولت موافقت کردند در انقلاب شاه و ملت. رفتند تهران اعتراض کردند که آقا این روحانی را معرفی کنید. این خمینی است؟ تا ما بگوییم علیه اللعنه... آقا، اگر مردی اسم ببر، بگو که خمینی، توی حبس ما رفتیم پیش او، و او گفت که بر

گذشته‌ها صلوات! خمینی غلط می‌کند همچو حرفی می‌زند خلاف دین اسلام، خمینی می‌تواند تفاهم کند با ظلم؟ غلط می‌کند. خمینی آنجا هم که بود، تو حبس هم که بود، مجد اسلام را حفظ می‌کرد».^{۱۲}

این سیره در طول زندگی امام حاکم بود و هرگز در ظاهر چیزی نگفتند و در باطن خلاف آن عمل کنند. در اوج جریان جنگ و شرایط سخت ابتدای پیروزی انقلاب با مردم صادق بوده و به مسئولان هم سفارش می‌کردند کاری نکنید که به مردم نتوانید توضیح دهید.^{۱۳} حتی امام حاضر نمی‌شدند کوچک‌ترین دروغی راجع به زندگی ایشان گفته شود. یکی از یاران امام می‌گوید: در پاریس برخی اصرار داشتند از زندگی ۲۴ ساعته امام از جمله از سفره غذای ایشان فیلمبرداری بکنند. امام فرمودند:

«اینطور که شما می‌خواهید سفره بچینید دروغ است زیرا در سفره ما گاهی پلو، گوشت و خورشت هم هست، شما می‌خواهید اینها را نادیده بگیرید و یک سفره ساده درست کنید. این دروغ است».^{۱۴}

امام در عبادت و طول رکوع و سجود خود نیز فرقی بین حضور در جمع یا خلوت نمی‌گذاشتند و در کارهای عادی خود نیز همینطور بودند. دختر امام در این خصوص می‌گوید: خدا را شاهد می‌گیرم امام در هر حالی بودند همیشه همان جور بودند. اگر باید روی زمین می‌نشستند، در خانه روی زمین می‌نشستند و در اطاق کارشان هم همینطور، اگر در حالاتی باید لباس خاصی می‌پوشیدند فرقی برایشان نمی‌کرد که این لباس پوشیدن یا آن گونه نشستن جلوی دوربین تلویزیون است یا نه. ایشان خیلی صادق بودند.^{۱۵} با این توصیف کسانی که هر روز چهره عوض کرده و برای حفظ مقام و موقعیت خود با چهره‌های گوناگون ظاهر می‌شوند و بسته به فضای روز شعار داده و تبلیغات می‌کنند و سعی می‌کنند چند چهره باشند، خط امامی نبوده و این عنوان براننده آنان نیست.

۵. عدم پنهان‌کاری

در کنار صداقت داشتن می‌توان از خصوصیت دیگری نام برد که مکمل این صفت است و

صفت برجسته‌ای است و آن علنی بودن و اعلام کردن فعالیت‌ها و تلاش‌ها و جلوگیری از پرده‌پوشی است. امام از ابتدای ورود در مبارزه بر خلاف روش مرسوم علمای سابق دستور دادند کلیه تلگرافات به دربار را چاپ و منتشر کنند و از سایرین نیز خواستند تلگرافات خود را در معرض دید عموم بگذارند و هر زمان فرستادگان دربار و یا نخست وزیر و سایر مقامات دولتی در ایران و عراق قصد داشتند با ایشان ملاقات کنند، اجازه ملاقات خصوصی نمی‌دادند و می‌گفتند اگر قصد دارند ملاقات کنند باید در میان جمع و در حضور عده‌ای باشد تا جلوی هرگونه سوءاستفاده گرفته شود. این سلوک تا پایان عمر شریف ایشان پایدار بود و همواره دولتمردان را به شفاف بودن و پرهیز از پنهان کاری دعوت می‌کردند. مگر مواردی که به امنیت ملی ضربه می‌خورد و یا دشمنان از آن سوءاستفاده می‌کردند که در این گونه موارد از حق خود نیز گذشت می‌کردند. به عنوان مثال زمانی که ایشان مریض شد و از قم به بیمارستان قلب منتقل شدند به واسطه اینکه ایام برگزاری اولین انتخابات ریاست جمهوری بود به فرزندشان می‌گویند:

«اگر برای من حادثه‌ای پیش آمد تا پایان انتخابات اعلام نکنید تا مردم در آرامش رأی

دهند.»^{۱۶}

این خصوصیت امام باید راهنمای همه مدعیان پیروی از خط امام باشد و نمی‌توان ظاهر و باطن و سر و عن در اعمال و کردار سیاسی به وجود آورد و مردم را نامحرم دانسته و غیربالغ فرض کرده و قیم آن‌ها بود. امام مردم را آگاه و رشید می‌دانستند و در همه امور به نظر آنها احترام می‌گذاشتند پس خطی که منسوب به امام است باید خط صداقت، شفافیت و یکرنگی باشد نه خط دروغ، تزویر، ریا.

۶. اسلام خواهی

حضرت امام جدای از اینکه خود فردی متدین و متعبد بود همواره در طول دوران مبارزه بر این امر تأکید می‌کردند که مطلوب واقعی ما اسلام است و مردم اسلام را می‌خواهند و لا غیر. لهذا از ابتدای ورود به صحنه مبارزات سیاسی که با نوشتن کتاب کشف/سرار آغاز گردید طرح

□ حساب فردی که ادعا می کند پیرو خط امام است باید اخلاص را در عمل سرلوحه اعمال خویش قرار دهد و کسانی که سراسر وجودشان را خودخواهی و کسب تقرب در نزد صاحبان قدرت فرا گرفته نمی توانند مدعی خط امام باشند

□ امام خمینی، همواره دولتمردان را به شفاف بودن و پرهیز از پنهان کاری دعوت می کردند مگر در مواردی که به امنیت ملی ضربه می خورد و یا دشمنان از آن سوءاستفاده می کردند

حکومت اسلامی را به صورت ابتدایی مطرح کردند. حضرت امام سال‌ها بعد به یکی از نوه‌های خود می گویند:

«حالا که درست تمام شده، وقت آن است که به مردم خدمت کنی، وقت آن است که قلم برداری و بنویسی، شعر بنویسی، قصه و مقاله بنویسی. مرا می بینی، من چهل سال پیش درباره ولایت فقیه کتاب نوشتم، همان که الان در بحث‌ها بر سرش دعواست».^{۱۷}

این دعوت و خواست امام تا زمان تشکیل حکومت اسلامی و تا پایان لحظات عمر همواره اصلی ترین نکته مورد تأکید بود. امام در زمانی که همه مخالفین رژیم در صدد اصلاح و تغییرات صوری در نظام مشروطه سلطنتی بودند و شعار «شاه سلطنت کند نه حکومت» سر می دادند فریاد نفی رژیم شاهنشاهی و اصلاحات بنیادین سر داده و تئوری حکومت اسلامی را به صورت مدون ارائه می کنند. ایشان در زمان فرماندوم جمهوری اسلامی به عنوان جمهوری اسلامی بدون یک کلمه کم و زیاد تأکید کرده و مردم نیز به ندای ایشان پاسخ مثبت داده، ۹۸/۲ درصد به آن رأی دادند. امام در طول دوران ده ساله پس از پیروزی انقلاب هم همواره بر این خواست عمومی پای فشرده و ذره‌ای از آن کوتاه نمی آمدند. امام می فرمایند:

«بر هیچ یک از آنان که از انقلاب اسلامی ایران اطلاع دارند پوشیده نیست که انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت ما در سراسر کشور از مرکز یا دورافتاده‌ترین شهرها و قراء و قصبات با اهداء خون و فریاد الله اکبر جمهوری اسلامی را خواستار شدند و در فراندم بی سابقه و اعجاب آور با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند... قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صددرصد اسلامی بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم بر خلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است. بر این اساس، هر رأی یا طرحی که از طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که مخالف اسلام باشد، مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است و اصولاً نمایندگانی که بر این اساس انتخاب شده باشند، وکالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است و اظهار نظر و رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حدود وکالت آنهاست».^{۱۸}

بنابراین مدعیان پیروی از خط امام باید همواره بر پیروی از اسلام و پرهیز از هرگونه شعار و خواست غیر اسلامی تأکید کرده و کسانی که با افکار التقاطی و منبعث از شرق و غرب در صدد تحریف این خواست ملی هستند نمی‌توانند خود را پیرو خط امام بدانند. البته باید دانست اسلام امام اسلام ناب محمدی است و هر قرائتی از اسلام را نمی‌توان خواست امام و مردم دانست. اسلام مورد نظر امام اسلام حقیقی است که در اینجا بهتر است به کلام خود ایشان استشهد کنیم. امام می‌فرماید:

«به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی - صلی‌الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب و در رأس آن امریکای جهانخوار و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشانند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهان‌اند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه‌داران و پول‌پرستان‌اند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی‌بهره بوده‌اند و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله‌گر و قدرت‌مداران بازیگر و مقدس‌نمایان بی‌هنرند».^{۱۹}

این دیدگاه راه را بر هرگونه تفسیری غیر از اسلام ولو با لعابهای رنگین و توجیحات مدعیان اسلام‌شناس شرقی و غربی همراه باشد می‌بندد و منافی خط امام است. و در این راستا ولایت فقیه نماد و الگوی اسلام خواهی امام و مردم است. هر کس به هر عنوان و با هر توجیه با این اصل قانون اساسی مخالفت کند مخالف خط امام بوده و نمی‌تواند مدعی خط امام باشد. ولایت فقیه، ولایت

□ امام، مردم را آگاه و رشید می‌دانستند و در همهٔ امور به نظر آنها احترام می‌گذاشتند، پس خطی که منسوب به امام است باید خط صداقت، شفافیت و یکرنگی باشد نه خط دروغ و تزویر و ریا

رسول الله (ص) است و جوهر قیام و حرکت امام است و نمی‌توان تحت هیچ عنوان با آن مخالفت کرد، هرچند در نحوه عملکرد، خصوصیات ولی فقیه و میزان اختیارات و مباحث دیگر جای بحث و تأمل وجود دارد و هیچ کس را نمی‌توان از بحث کردن در زوایای علمی و عملی ولایت فقیه منع نمود و افرادی که سعی می‌کنند با این حربه مخالفان خود را از بین ببرند و انگ ضدیت با ولایت فقیه به دیگران بزنند کمتر از مخالفان اصل ولایت فقیه نبوده و حرکت آنها نیز با اسلام و اندیشه امام تطابق ندارد.

بنابراین خط امام، خط پذیرش اصل ولایت فقیه و اسلام امام بوده و لا غیر و هر کس این دو رکن را قبول داشته باشد خط امامی است و هر کس با این دو اصل مخالف بوده و یا دیگران را به واسطهٔ بحث در چگونگی عملکرد ولی فقیه و حدود و اختیارات او ضد ولایت فقیه معرفی می‌کند خط امامی نیست ولو اینکه خود را پیرو خط امام یا پیرو خط امام و رهبری بنامد.

۷. استقلال طلبی

یکی از ویژگی‌های قیام امام عدم وابستگی به قدرت‌های مادی و دنیوی بود. امام قیام خود را با اتکا به خداوند و همراهی مردم مستضعف آغاز کرد و به پیش‌برد و در طول دوران مبارزه و پیروزی علی رغم همهٔ سختی‌ها و ناملایمات به پیشنهادات همکاری و کمک از جانب قدرت‌های شیطان و بعضی دول به ظاهر دوست و افراد منحرف پاسخ مثبت نداد و استقلال خود را به هیچ

قیمت نفروخت. امام در زمانی که به طور رسمی و علنی با آمریکا در نبرد و رویارویی بود در مقابل تجاوزات شوروی به افغانستان، کوتاه نیامد. اگر نظری به پیام‌های متبادله میان امام و رهبران شوروی بیندازیم می‌بینیم امام در همه این پیام‌ها شوروی را محکوم کرده است، ایشان زمانی که متوجه می‌شوند سفیر شوروی ادعای کمک به ایران نموده سخت برآشفته شدند و پیامی به این شرح صادر کردند:

«بسم الله الرحمن الرحيم

چند روز قبل ورقه‌ای در تبریز منتشر شده بود که در آن آمده بود، خمینی تقاضای کمک نظامی از شوروی نموده. من تصور کردم این یک دروغ فاحشی است که یک نفر غرضمند نوشته و منتشر نموده و قابل توجه نیست. لکن امشب در رادیو - تلویزیون به وسیله خبرگزاری پارس از خبرگزاری فرانسه چنین آمده بود: «کاردار شوروی در مکزیک اعلام کرد، اتحاد شوروی آماده است به ایران کمک کند تا این کشور بتواند در برابر تحمیل آمریکا علیه خود مقاومت کند. وی گفت کمک نظامی نیز از کمک‌های شوروی به ایران خواهد بود. کاردار شوروی در مکزیک تصریح کرد: این کمک‌ها در صورتی در اختیار ایران قرار خواهد گرفت که دولت ایران و خمینی خواستار آن شوند». و بعد بعضی مطالب نامربوط گفته بود. شورای انقلاب جمهوری اسلامی و وزارت خارجه موظف هستند که به سفارت شوروی ابلاغ کنند که کاردار شوروی در مکزیک را تقیح نمایند و از تکرار این نوع مطالب توهین آمیز جلوگیری کنند. اینجانب و دولت ایران اجازه نمی‌دهیم که دولت شوروی و دولت‌های دیگر، دست به این مطالب بی اساس که توهین به مقدسات ما و به ملت شریف ایران است بزنند. باید آمریکای جنایتکار و شوروی بدانند که ما با تمام قدرت در مقابل تجاوز هر دولتی به کشور ما ایستاده و از میهن عزیز و اسلام بزرگ تا سرحد جان دفاع می‌کنیم. تکرار این مطالب موجب می‌شود که ملت غیور ما دست به کاری بزنند که موجب تأسف شود و ممکن است در روابط دولتین تجدید نظر شود».^{۲۰}

روح الله الموسوی الخمينی

۸. احترام به نظر مردم

جمهوری اسلامی ایران یادگار بزرگ امام است. و همانگونه که قبلاً ذکر شد این دو کلمه «جمهوری» و «اسلامی» تفکیک‌ناپذیرند و احدی نمی‌تواند یکی را به بهانه دیگری حذف یا

□ امام خمینی: «حالا وقت آن است که به مردم خدمت کنی، وقت آن است که قلم برداری و بنویسی، شعر بنویسی، قصه و مقاله بنویسی»

□ امام همواره بر خواست و نظر مردم تأکید داشت و تمام تلاش و سعی خود را از ابتدای ایجاد جمهوری اسلامی بر استوار نمودن ارکان نظام طبق رأی و نظر مردم متمرکز کرد

کمرنگ کند و کوچک‌ترین ایجاد تردید در جمهوریت یا اسلامیت و حمل بر پذیرش اضطراری کلمه جمهوری و از روی ناچاری قبول کردن آن به امام گناهی نابخشودنی و خیانت به امام و انقلاب است. امام همواره بر خواست و نظر مردم تأکید داشته و تمام تلاش و سعی خود را از ابتدای ایجاد جمهوری اسلامی بر استوار نمودن ارکان نظام بر طبق رأی و نظر مردم متمرکز نمود و حتی موشک باران و بمباران شهرها و حمله همه جانبه دشمنان به کشور نیز نتوانست مانع از برگزاری انتخابات در کشور شود. امام بارها و بارها می‌فرمایند:

«میزان رأی ملت است»^{۲۱}

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است... ولو به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید که این به ضرر شماست ما نمی‌خواهیم بکنیم. شما وکیل آنها هستید، ولی آنها نیستید. بر طبق آن طوری که خود ملت مسیرش هست... خواهش می‌کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح بر خلاف مسیر ملت است، طرحش نکنند از اول، لازم نیست...، لازم نیست هر مطلب صحیحی را اینجا گفتن. شما آن مسائلی که مربوط به و کالتان هست و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر

راه بروید ولو عقیده‌تان این است که این مسیری که ملت رفته، خلاف صلاحش است. خوب باشد، ملت می‌خواهد این طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می‌خواهد. ملت رأی داده رأیی که داده متبع است».^{۲۲}

در سیره حضرت امام شواهد احترام به رأی و نظر مردم بسیار وجود دارد که ما برای جلوگیری از اطاله کلام از آوردن آنها خودداری می‌کنیم. بنابراین خط امام، خط حفظ احترام نظر و رأی مردم و بالغ دانستن مردم است و هرگونه تخطی از آن تحت هر عنوانی خروج از خط امام را به دنبال دارد. البته مردم مورد نظر امام مردمی هستند که بر اساس اسلام انقلاب کرده و ندای اسلام خواهی را فرا روی خود قرار داده‌اند، نه هر مردمی و هر درخواستی.

۹. عدالت خواهی

برپایی قسط و عدل یکی از اهداف اصلی ارسال رسل و انزال کتب از جانب حق تعالی بوده و قیام امام هم منبعث از قیام انبیاست. لذا اجرای عدالت از ارکان اساسی قیام و حرکت امام به شمار می‌رود. جدای از آنکه این اصل از ارکان اصلی مذهب تشیع بوده و هر فرد شیعه جعفری بر آن باید ملتزم باشد. همچنین عدالت خواهی از اولین درخواست‌های ملت ایران از مشروطیت تا زمان حاضر بود و تأسیس عدالتخانه تنها یکی از خواست‌های مشروطه خواهان بود. از حضرت امام بیانات، مکتوبات و خاطرات زیادی در خصوص عدالت خواهی و عدالت طلبی وجود دارد، هم عدالت فردی و هم عدالت اجتماعی. در عدالت فردی امام جدای از اینکه خود شخصی عادل بود و حتی می‌توان گفت امام از انجام مکروهات هم ابا داشت چه رسد به انجام افعال حرام و گناه صغیره و کبیره و شواهد در این باره زیاد است که فرصت بیان نیست، در راه ایجاد عدالت اجتماعی هم ذره‌ای تردید به خود راه نداد و بالاترین خطرها را به جان خرید تا بتواند عدالت را در این کشور اجرا کند. بنابراین مدعی پیروی از خط امام هم باید عدالت شخصی داشته باشد و هم به دنبال ایجاد عدالت در جامعه باشد. فرد یا گروهی که حاضر است انواع اتهامات و تحریف‌ها و دروغ‌ها را بر علیه رقیب خود بزند و هیچ ابایی ندارد که قرآن، اسلام و انقلاب را فدای مطامع

□ مدعی پیروی از خط امام هم باید عدالت شخصی داشته باشد و هم به دنبال ایجاد عدالت در جامعه باشد

□ امام، مجتهدی را که از جهان امروز و اطلاعات جدید بی بهره است مجتهد واقعی نمی‌دانست و با کسانی که به واسطه خشک مغزی و مقدس‌مآبی دین را در چشم مردم بد جلوه می‌دهند به شدت مخالف بود

فردی خود کند قطعاً خط امامی نیست و کسی که برای رأی آوردن و کسب قدرت اجازه دهد هر نوع فعل حرامی و هر نوع فسادی در جامعه رواج پیدا کند و از راههای کسب حرام کسب محبوبیت نماید از خط امام فرسنگ‌ها فاصله دارد. خط امام خط عدالت و عدالت خواهی است و از راه احترام ارتزاق نمی‌کند.

۱۰. ظلم ستیزی

عدالت و ظلم ستیزی لازم ملزوم هم هستند و امام برای برقراری عدالت در جامعه کوچک‌ترین تردیدی در مبارزه با ظلم و استبداد به خود راه نمی‌داد. امام برنامه انقلاب را چنین ترسیم می‌کنند:

«برنامه ما این است که نه ظلم بکنیم نه ظلم بشنویم. ما تحت رهبری پیغمبر اسلام این دو

کلمه را می‌خواهیم اجرا کنیم: نه ظالم باشیم و نه مظلوم».^{۲۳}

امام در زندگی شخصی خود نیز حاضر نبود در حق کسی ظلم شود و برای کوچک‌ترین امور مواظب بودند حق کسی نشود. به عنوان مثال زمانی که در جماران استقرار یافتند تا زمانی که صاحبان بیت را حاضر نکردند و آنها رضایت خود را از اقامت ایشان در منزل خودشان اعلام

نمودند و قرارداد اجاره بین امام و آنها منعقد نشده بود حضرت امام آرامش نداشتند و می‌فرمودند من خاطر جمع نیست که آیا در این خانه که می‌مانم صاحبانش راضی هستند یا خیر و پس از آن بود که فرمودند «حالا می‌مانم».^{۲۴}

با این توصیف از دیگر شروط خط امامی بودن ستیز و مبارزه با ظلم و تعدی است و کسانی که سر در آخور شرق و غرب داشته و برای حفظ قدرت و بقای خود با ظالمان و ستمگران سازش می‌کنند و اسرار نظام را در اختیار دولت‌های استعمارگر قرار می‌دهند و یا نسبت به اطرافیان و مردم کوچه و بازار ظلم روا می‌دارند حق ندارند خود را پیرو خط امام بنامند و ادعای خط امامی بودن بکنند.

۱۱. قانون‌مندی

از شاخص‌های مهم خط امام قانونمندی است و این خصوصیت و صفت بارز امام بود که به قانون احترام می‌گذاشتند ولو اینکه قانون دولت کافر باشد.

امام علاوه بر اینکه قانون‌های عادی و ساده نظیر مسیر عبور و مرور عابر پیاده در خیابان را رعایت می‌کردند، در زندگی روزمره شخصی خود نیز به نظم و ترتیب بسیار دقیق ملتزم بودند و هیچ‌گاه از آن تخلف نمی‌کردند به طوری که دیگران می‌توانستند بر اساس رفت و آمد و فعالیت امام ساعت خود را تنظیم کنند. در رعایت قوانین، امام برای کشور مسلمان یا غیرمسلمان فرقی قائل نبودند. برای مثال قانونی در فرانسه وجود دارد که ذبح هر حیوانی در خارج از کشتارگاه به خاطر رعایت مسائل بهداشتی ممنوع است و هنگامی که امام از چنین قانونی اطلاع پیدا کردند، حاضر نشدند از آبگوشتی که با گوشت گوسفند ذبح شده در محل اقامت در نوفل لوشاتو تهیه شده بود بخورند و فرمودند «چون تخلف از قانون حکومت شده است از این گوشت نمی‌خورم».^{۲۵}

پس از پیروزی انقلاب نیز علاوه بر سفارش اکید به دیگران خود نیز ملتزم به رعایت قانون بودند و حتی حاضر نمی‌شدند برای احدی توصیه هم بنویسند و می‌فرمایند:

«اگر از من توصیه برای کسی آمد، از دفتر من برای کسی توصیه آمد، از کسانی که به من

مربوطند توصیه آمد، بزنید به دیوار».^{۲۶}

و یا زمانی که متوجه می‌شوند به مستخدم بیت امام بدون رعایت نوبت نان می‌دهند و یا نان بهتر از نوع نان معمولی می‌دهند دستور میدهند: شما نان را پس دهید و مثل مردم معمولی در صف بایستید.

شواهد بر رعایت قانون و قانون‌گرایی امام زیاد است که نیازی به آوردن همه آنها نیست و ما علاقه‌مندان را به کتب خاطرات یاران امام و مجموعه صحیفه امام ارجاع می‌دهیم.^{۲۷}
بنابراین پیروان خط امام کسانی هستند که قانون را برای دیگران نویسند بلکه خود قانون‌مند بوده و به لوازم قانون ملتزم باشند علی‌الخصوص رعایت قانون اساسی کشور که میثاق شهیدان و سند ملی کشور است و شالوده نظام اسلامی ما را تشکیل می‌دهد.

۱۲. حفظ نظام

نظام جمهوری اسلامی حاصل خون هزاران شهید و زحمات طاقت فرسای مجاهدین راستین اسلام و نقطه اوج آمال شیعیان از صدر اسلام تا کنون است لذا حفاظت و پاسداری از آن بر همه واجب بوده خصوصاً مدعیان پیروی از خط امام باید از هر گونه حرکتی که به تضعیف و انهدام نظام اسلامی منجر شود پرهیز کنند. امام خمینی حفظ نظام را از اعظم فرایض دانسته می‌فرمایند:

«حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است، حفظ نظام یکی از واجبات شرعیه و

عقلیه است».^{۲۸}

و برای حفظ نظام حاضر شدند همه دوستی‌ها و رفاقت‌ها و امیال شخصی را کنار گذاشته و سخت‌ترین تصمیمات را بگیرند. به عنوان نمونه امام در عزل قائم مقام خود می‌فرمایند:

«من بارها اعلام کرده‌ام که با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام.

چارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است».^{۲۹}

و در نامه‌ای به نمایندگان مجلس نیز می‌فرمایند:

«پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه‌ها و پیغام‌ها تمام تلاش خود را نموده است تا

قضیه بدین جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا

تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی پرخون حاصل عمرم را برای مصلحت

نظام و اسلام کنار گذاشتم. ان شاءالله خواهران و برادران در آینده تا اندازه‌ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی‌بردار نیست و در صورت تخطی، هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد».^{۳۰}

۱۳. مبارزه با جمود و تحجر

از خصوصیات بارز و شاخص حضرت امام روشنفکری توأم با دینداری بود. امام بسیاری از حصارهای خود ساخته و جاهلی مرسوم روحانیت و حوزه را شکست و توانست چهره‌ای نو از اسلام و حوزه به جهانیان عرضه کند و حتی مبارزه برای شکستن این رسومات را بسیار جانفرساتر از مبارزه با شاه و اربابانش دانسته و می‌فرماید:

«در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می‌نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس‌مآبی و تحجر بود، گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می‌سوخت و می‌درید».^{۳۱}

این جمود و تحجر جدای از اینکه در دوران مبارزه سد راه امام می‌شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مشکلات مهمی در راه اداره کشور ایجاد نمود که تنها با سرپنجه تدبیر و فراست و رهبری امام برطرف گردید و نظام مقدس را از بحران نجات داد. به عنوان مثال تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام یکی از این موارد بود که توانست مشکلات ایجاد شده بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان را حل کند. مواردی از این دست بسیار است که مجال برشمردن همه آنها نیست.

بنابراین نمی‌توان متحجر و خشک‌مقدس بود و ادعای پیروی از خط امام را داشت. امام در عین تدین و تعهد به اصول اسلامی برای زمان و مکان در اجتهاد نقش قائل بود و مجتهدی را که از جهان امروز و اطلاعات جدید بی بهره است مجتهد واقعی نمی‌دانست و با کسانی که به واسطه خشک مغزی و مقدس‌مآبی دین را در چشم مردم بد جلوه می‌دهند به شدت مخالف بود. کسانی که با حضور زن در اجتماع مخالف بوده و فریاد و اسلاما سر می‌دهند یا حق رأی مردم را زیر

□ کسانی که حق رأی مردم را زیر سؤال می‌برند نمی‌توانند مدعی پیروی از خط امام باشند

□ مدعیان پیروی از خط امام نمی‌توانند کسانی باشند که زندگی اشرافی و تجملاتی داشته و سطح زندگی خود را بسیار بالاتر از مردم عادی قرار دهند

سؤال می‌برند و شعار جمهوریت را شرک می‌دانند نمی‌توانند مدعی پیروی از خط امام باشند. همان گونه که اگر کسی به احکام اسلام ملتزم نباشد و برای خشنودی غرب یا شرق دست از اصول اسلامی بردارد خارج از خط امام است و حق ندارد خود را پیرو خط امام بنامد.

۱۴. پرهیز از دنیاطلبی

دوری از دنیا و محبت به آن سفارش قرآن و معصومین (ع) بوده و این صفت برای مراجع تقلید و راهبران دینی جامعه از واجبات است و یکی از شروط مراجعه به فقها در عصر غیبت دوری از هوا و هوس و پرهیز از دنیاطلبی است. امام خمینی همواره در طول زندگی خود این شرط را رعایت کرده‌اند خصوصاً پس از قرار گرفتن در مسند رهبری انقلاب اصرار و پافشاری بیشتری بر رعایت آن داشتند. «ایشان در دوران تبعید در نجف اشرف در منزل بسیار محقر و ساده زندگی کرده که از مواهب اولیه زندگی به دور بوده و هرگز حاضر نشدند برای تنوع و استفاده از هوای مطلوب و لطیف شهر کوفه به آن شهر سفر کنند».^{۳۲} «پس از بازگشت هم امر کردند محل زندگی ایشان در منطقه جنوب شهر تهران باشد»^{۳۳} و «پس از انتقال به قم زمانی که مجبور شدند از قم به تهران هجرت کرده در تهران ساکن شوند از مسکن تهیه شده در منطقه دربند تهران که تا اندازه‌ای

غیرمتعارف بود راضی نبود و مسئولان را تهدید کردند: «اگر مسکن مناسب و به دور از تجملات تهیه نشود به قم مراجعت می‌کنم».^{۳۴}

شواهد بر دوری امام از تجملات و تشریفات و حفظ خود از دنیادوستی و دنیاپرستی به حدی زیاد است که خود کتابی جداگانه طلب می‌کند و از حوصله این بحث بیرون است. بنابراین مدعیان پیروی از خط امام نمی‌توانند کسانی باشند که زندگی اشرافی و تجملاتی داشته و سطح زندگی خود را بسیار بالاتر از مردم عادی قرار دهند. این شرط در صورتی است که اموال و زندگی مرفه خود را از راه حلال کسب کرده باشند و الا افرادی که با استفاده از اموال دولتی و بیت المال به اموال غیرمشروع دست یافته و برای خود در داخل و خارج امکانات و اموال تهیه کرده‌اند بسیار از خط امام دور بوده و هرگز نمی‌توانند خود را مدعی خط امام بدانند و خود باید آگاه باشند مردم فهیم ما به راحتی این افراد و مدعیان دروغین را شناخته و سره را از ناسره به خوبی تشخیص می‌دهند.

این بود خلاصه‌ای از آنچه می‌توان به عنوان شاخص‌های خط امام بیان کرد و معترف هستیم بسیار کوتاه، ناقص و ناکافی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشتها:

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۸.
۲. فرهنگ عمید، ص ۵۵۹.
۳. همان، ص ۱۹۵.
۴. برای آشنایی با کیفیت و نحوه تأسیس این تشکل به کتاب تسخیر تألیف خانم دکتر معصومه ابتکار و کتاب ۴۴۴ روز تألیف امیررضا ستوده و حمید کاویانی مراجعه شود.
۵. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۰.
۶. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۳.



۷. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶۰.
۸. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۵۸.
۹. سوره سبأ، آیه ۴۶.
۱۰. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۲-۲۳.
۱۱. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۲۴.
۱۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۹۰.
۱۳. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۶۳.
۱۴. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۵۸.
۱۵. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۶۰.
۱۶. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۰۴.
۱۷. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۲۲۷.
۱۸. انتخابات و مجلس از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۳۴. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۸ - ۳۰۹.
۱۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۴.
۲۰. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱۳ - ۱۱۴.
۲۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۷۲.
۲۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۴.
۲۳. کلمات قصار امام خمینی، ص ۹۴.
۲۴. رک: برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۳۹۰.
۲۵. پایه پای آفتاب، ج ۱، ص ۳۲۷.
۲۶. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۲۷۲.
۲۷. برداشت‌هایی از سیره امام، ج ۴، فصل هشتم، ص ۲۸۹ - ۳۰۶.
۲۸. کلمات قصار امام خمینی، ص ۱۲۴.
۲۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۶.
۳۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۰.
۳۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۹ - ۲۸۰.
۳۲. دلیل آفتاب، ص ۱۵۰.
۳۳. دلیل آفتاب، ص ۱۵۴.
۳۴. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۲، ص ۵۸.